

در قیاس با ناول، وقایع‌نگاری، خاطره و یا هر قالب دیگر نثر، رمان داستان هماهنگ، منسجم، طولانی و کامل زندگی فرد یا گروهی از افراد است. زندگینامه‌های قدیسان را به رغم ساختار کاملاً داستانی، رمان نمی‌دانند، زیرا در این آثار هیچ نشانی از توجه به مسایل مادی و زندگی عادی در سرگذشت شخصیت‌های مطرح وجود ندارد و تنها اندیشه‌ای آرمانی توصیف می‌گردد. در عوض داستان یونانی «دانیس و خلوئه» نخستین رمان اروپایی است، زیرا برای اولین بار در آن واقعه‌ای مستقل توصیف می‌گردد. مدت‌های مدید پس از آن، رمان‌نویسان با بهره‌گیری از دو موضوع گوناگون موفق شدند تا خوانندگان را به سرنوشت فردی علاقه‌مند سازند، یعنی فن ترکیب و ایجاد هماهنگی مطرح می‌گردد و بر آن اساس زندگینامه مبدل به داستان یا دقیق‌تر بگوییم، داستانی پرمفهوم می‌شود، منظور همان هنر ایجاد انگیزه‌های روان‌شناختی است. راپیان ناول‌ها در توصیف انگیزه‌ها صرفاً به موقعیت‌های بیرونی می‌پردازند و به همین دلیل هم داستان‌های آنان خشک و در عین حال زیبا، آسان و سرگرم‌کننده است. اما نویسندگان رمان‌های روان‌شناختی چون فلوربت و برادران گنکور یکسره موضوع داستان را فدای استدلال‌های روان‌شناختی کردند و با ایجاد روشی خاص، هنری مستقل را پدید آوردند.

تا امروز رمان ضرورتی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر و قالبی هماهنگ برای هنر اروپایی بوده

است. «ورتو»، «آنا کارنینا»، «دیوید کاپرفیلد»، «سرخ و سیاه»، «چرم ساغری» و «مادام بواری» چون بسیاری از مسایل زندگی ساختاری هنرمندانه داشت و باعث شد تا معاصران ما خویشتن را در آینهٔ رمان تماشا کنند و باز شناسند. این چنین تقلید رفتار شده‌ها و تطبیق آنان با شخصیت‌های معمول رمان در نزد معاصران پدید آمد و رمان نسلی خاص را تربیت کرد و موضوع مطرح در آن اجتماع، مدرسه و دین بود. در عصر جنگ‌های ناپلئون زندگینامه‌های بسیاری در باب زندگی او نگاشتند و به این ترتیب سرنوشت شخصیتی تاریخی و مهم مطرح شد، هر چند بدیهی است که آنان نتوانستند تمامی جنبه‌های وجود او را مطرح سازند و فقط به گوشه‌هایی از زندگی او پرداختند. استاندال در «سرخ و سیاه» نیز به روایت نمونه‌ای از همین زندگینامه‌ها می‌پردازد.

شخصیت‌های مطرح رمان ابتدا انسان‌هایی نامعمول و با استعداد بودند، اما در دوره‌ی بعدی رمان اروپایی پدیده‌ای عکس آن مشاهده شد، یعنی انسان میانه مبدل به قهرمان رمان و کانون توجه به انگیزه‌های اجتماعی همین انسان شد و شخصیت مطرح در رمان، اجتماع به آن گونه‌ای بود که برای مثال در آثار بالزاک یا زولا می‌توان دید.

تمامی این تحول‌ها سبب طرح حدسیاتی دربارهٔ رابطهٔ بین سرنوشت رمان و مسألهٔ سرنوشت هر فرد در تاریخ می‌شود. نیازی نیست که در این جا سخن از نقش‌های متفاوت شخصیت‌ها در تاریخ به میان آوریم، بلکه کافی است که در باب چگونگی حل این مسأله صحبت کنیم، زیرا همین راه حل سبب تربیت و شکل‌گیری روح انسان‌های معاصر شده است. شکوفایی رمان در سدهٔ نوزدهم به دلیل زندگینامه‌های ناپلئون بود که در آن‌ها شخصیتی تاریخی به گونه‌ای اعجاب‌انگیز مطرح شد و زمینهٔ فعالیت بالزاک و استاندال و تمامی رمان‌نویسان فرانسوی و اروپایی را فراهم کرد. زندگینامهٔ بناپارت فاتح و موفق باعث شد تا رمان‌های بالزاک نیز با موفقیت همراه باشد، زیرا موضوع آن‌ها عشقی پرشور نیست، بلکه موفقیت شغلی و تلاش برای گشودن راه خویش از میان طبقه‌های پایین اجتماع و دستیابی به مقامی رفیع است.

با نگاهی به جنبش‌های عظیم و سازندهٔ اجتماعی درمی‌یابیم که به طور بدیهی از اهمیت فرد در تاریخ کاسته شده است و دیگر رمان نیز آن تأثیر و قدرت گذشته را ندارد، زیرا رمان در اصل چون دستگاه فشارسنجی است که فشار هوای اجتماع را نشان می‌دهد. معیار رمان زندگینامهٔ یک انسان یا مجموعه‌ای منظم از زندگینامه‌هاست. از این رو نویسندهٔ رمان جدید از همان ابتدا حس کرد که دیگر سرنوشت فردی وجود ندارد و کوشید تا آن گیاه مورد نظر را با تمامی ریشه‌ها و شاخ و برگ‌ها از خاک برآورد. به این ترتیب رمان پیوسته سنجش آن زندگینامه است و زمانی آن را

ВЫПИСКА ИЗ ПРОТОКОЛА  
 Особого совещания при Народном комиссаре внутренних дел СССР  
 от 2-го августа 1938 г.

СЛУШАЛИ | ПОСТАНОВИЛИ

7. Дело № 19390/ч о  
 МАНДЕЛЬСТАМ Осипе Эмилевиче-  
 виче, 1891 г.р. сына купца,  
 «обер».

МАНДЕЛЬСТАМ Осипа Эмилевича-  
 вича К.-р. деятельность заключить  
 в исправительный срок с  
 15/8/38. Дело сдать в архив.



*И. Шапиро*

№ 19390/ч от 2-го августа 1938 г.

● حکم محکومیت ماندلشتام در سال ۱۹۳۸.

هماهنگ می‌دانند که تحت تأثیر نیروی خاصی چون سیاره‌های منظومه شمسی باشد، یعنی نیروی گریز از مرکز در گرایش به گریز از این مسیر، در نهایت بیش از نیروی کشش نباشد. آخرین نمونه این گونه رمان پرکشش در اروپا «ژان کریستف» اثر رومن رولان است. این آخرین اثر، آواز قوی زندگی‌نامه‌های اروپایی در مسیر رودی پهناور است که از جنبه روش، رمان «ویلهلم مایستر» گوته را در ذهن زنده می‌سازد. ژان کریستف دایره رمان را کامل کرد. به رغم تمامی جنبه‌های نوگرا این اثر کهن است و در آن شاهد تمامی نژادهای ژرمنی و لاتینی را گرد آورده‌اند. برای نگارش این رمان نیاز به هر دو نژاد بود و رومن رولان را می‌توان آمیزه‌ای از این دو نژاد دانست. در هر حال ژان کریستف تحت تأثیر فراوان سقوط ناپلئون چون تمامی دیگر رمان‌های اروپایی پدید آمد و موضوع اصلی آن رابطه بتیون در قالب ژان کریستف، شخصیت اسطوره‌ای موسیقی با سقوط ناپلئون است. از این پس رمان‌ها دیگر داستان فروپاشی زندگی‌ها و حیات فردی و حتی فراتر از آن، یعنی افول هراس‌انگیز زندگی انسانی خواهد بود. درک زمان که نهفته در وجود هر انسانی است و در رفتار، کامیابی، نابودی یا حتی عشق‌ورزی اهمیت دارد، همان احساس اساسی و بنیادین رمان اروپایی بود، زیرا باز هم تکرار می‌کنم، معیار سنجش هماهنگی رمان زندگی انسان است. زندگی انسان به خودی خود زندگی‌نامه نیست و نمی‌تواند اساس و مبناى رمان باشد. انسانی که در عصر رمان کهن اروپایی زندگی می‌کرد، در

عین حال نشانگر نظامی از پدیده‌هایی بود که او را در بر می‌گرفت.

حال اروپاییان از مسیر زندگی خود چون گوی بیلبارد خارج شده‌اند و قوانین حاکم بر رفتارهای آنان چون برخورد این گوی‌ها با میز است که بر آن تنها یک قانون حاکم است، یعنی آن گوشه‌ای که باید گوی به درون آن فرو افتد و در عین حال در این مکان زندگی خاتمه می‌پذیرد. انسان بدون زندگی‌نامه نمی‌تواند اساس رمان باشد و از دیگر سو رمان بدون توجه به سرنوشت فردی انسان‌ها و طرح موضوع‌های مرتبط با آن در ذهن نمی‌گنجد.

افزون بر این، علاقه به انگیزه‌های روان‌شناختی (که به یاری آن رمان در حال زوال را هنرمندانه و آگاهانه از ورطه نابودی نجات بخشیده‌اند) از همان ابتدا نیز مدفون شده بود و با ناتوانی و توصیف انگیزه‌های روان‌شناختی تحت تأثیر شرایط واقعی اعتباری نداشت. برخورد این نیروهای پر قدرت در هر لحظه شدیدتر و خشن‌تر می‌شود. این چنین در رمان نوگرا یک باره هم طرح، یعنی شخصیت مطرح در عصر خود و هم نگرش روان‌شناختی از بین رفته است، زیرا هر دو این جنبه‌ها دیگر نیازی به استدلال خاصی ندارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نشر امین دژ منتشر کرده است: **مقاله جامع علوم انسانی**

## بخارا کجاست

نگارش:

رضا حجت